

## جدایی مانه از لیورپول قطعی شد

خرنگار ایتالیایی مطرح حوزه نقل وانتقالات فوتبال اروپا مدعی شده که مهاجم سنگالی تیم فوتبال لیورپول تصمیم قطعی اش را برای آینده گرفته است. فابریتزورمانو با انتشار پیامی در صفحه شخصی اش در توئیتر مدعی شد که سادیو مانه تصمیم به ترک باشگاه لیورپول گرفته است و تابستان امسال قطعا از فرمز پوشان مرسی ساید جدا خواهد شد. مدتی است که گمانه‌زنی‌هایی درباره پیوستن مانه به لیور منیخ صورت گرفته و خبر جدید رومانو هم احتمال وقوع این انتقال را قوت بخشیده است. رومانو نوشته است که مانه پس از سری کردن سال‌های همراه با افتخارات مهمی مانند قهرمانی در لیگ برتر و لیگ فوتبال اروپا، می‌خواهد تجربه‌ای جدید کسب کند و این موضوع هم به‌زودی توسط باشگاه لیورپول تایید خواهد شد. این خبرنگار ایتالیایی، باین‌منیخ را مقصد بعدی سادیو مانه معرفی کرده، اما تأکید داشته است که پیوستن او به باواریای مانتیم‌شده نیست. وی مدعی شده است که مانه تصمیمش را پیش از این گرفته و فقط منتظر برگزاری بازی تیمش در فینال لیگ قهرمانان اروپا بوده است، زیرا او می‌تواند با این بازی‌ها به تیمش شانس دهد. او می‌گوید: «بجز باشگاه بارسلونا بسیاری از شخصیت‌های مرتبط با این باشگاه هم به رئال مادرید علاقه دارند. من به طور مثال تیمار، بازیکن سابق بارسا که هم‌اکنون در پی‌اس‌جی توپ می‌زند، به تمجید از وینیسیوس پرداخت و او بهترین بازیکن فصل دانست یا مارک مارکز، مورتوسوار اسپانیایی، نیز که طرف‌دار دوستانه بارسلونا است، در پیامی دیگر به رئال مادرید تبریک گفت.

فوتبال: صفحه توئیتر بارسلونا در اقدامی تحسین برانگیز

به رئال مادرید تبریک گفت. در حقیقت بارسلونا با توتیش نشان داد که صرف‌نظر از رقابت‌های ورزشی، جنبه پذیرش موفقیت حریف را دارد و به‌همین خاطر آن‌ها پیامی را برای قهرمانی رئال مادرید منتشر کردند. صفحه توئیتر بارسلونا نوشت: تبریک به رئال مادرید به خاطر جام لیگ قهرمانان اروپا که در استادفرانس کسب کردند. البته پیش از این نیز بارسلونا در جام‌های مختلف با رئال مادرید روبرو شده و در این رقابت‌ها شکست خورده است. باین‌منیخ از این دیدگاه به‌جایگاه بارسلونا و شخصیت‌های مرتبط با این باشگاه هم به رئال تبریک گفتند. به طور مثال تیمار، بازیکن سابق بارسا که هم‌اکنون در پی‌اس‌جی توپ می‌زند، به تمجید از وینیسیوس پرداخت و او بهترین بازیکن فصل دانست یا مارک مارکز، مورتوسوار اسپانیایی، نیز که طرف‌دار دوستانه بارسلونا است، در پیامی دیگر به رئال مادرید تبریک گفت.

## همه چیز درباره چهاردهمین قهرمانی رئال مادرید در چمپیونزلیگ اروپا جاودانگی کهکشانی‌ها!



همانند هر دیدار مهم دیگری در تاریخ فوتبال، فینال لیگ قهرمانان اروپا ۲۰۲۲ هم جزئیات خاص و مهمی داشت که باعث شد، رئال مادرید با وجود حلق موفقیت‌های درخشان و فراوان خود، دست لیورپول با وجود چندین فرصت گلزنی از گم‌گام شدن، بعد از فصل قهرمانی چهاردهم رئال در استادفرانس، دالایی که، منجر به برتری نهم تحت هدایت کارلو آنچولتی مقابل لیورپول بزرگ شده است، مرور خواهیم کرد.

● **خون‌سرد باصدیا**
برای تیم رئال مادرید، داشتند، لیورپول در برابر بارها تا نزدیک گل‌زنی پیش رفت، اما هر بار توسط گورتوا ناکام ماند؛ از جمله شوت سادیو مانه که البته به تیم هم برخورد کرد، با ضربه صلاح از حوالی شش قدم و از نزدیک‌تر، فاصله‌ماندار در مقابل دفاعهایی که در مسیرشان قرار گرفته بود، خوب استفاده کردند.

این سوسمین حضور لیورپول در فینال لیگ قهرمانان اروپا در پنخ فصل اخیر بود، اما رئال تا هر لحظاتی کلیدی بازی ارانش بیشتری داشتند، به نظر می‌رسید تیم پورگن کلوب بعد از گل وینیسیوس مقداری از فرم و نظم تیمی‌اش بی‌نشان شده است؛ در حالی که مادرید هم‌همان تیمی نشان دادند که هرگز در لیگ قهرمانان اروپا در فینال شکست نخورده‌اند، زیرا رفتار کاسلا رام و اعتقادی بر وجودند، در حالی که حریف همچنان تهدیدشان می‌کرد، فرمزها حتی می‌توانستند، به‌خاطر افتخارات مجبور بودم که عودت را لغو کنم؛ خیلی از استعدادیاب‌ها مجبور شدند که ناامیدانه به خانه‌هایشان برگردند. استعدادیاب‌ها بدون اینکه من بدانم، همه‌جا دنبال من می‌آمدند، تیم‌ها می‌توانستند که من کمی می‌شناختمش، اسمنی «جان استین‌السن» بود، خیلی تیزتر از آن‌ها به او سلام کنم، عملکردم را به‌خاطر این آژانس بررسی می‌کرد، یک روز سر تمرین رفتم، جان استین‌السن هم بود؛ داد زدم: «سلام»؛ او این وضیت عادت کرده بودم، اما روز بعد فهمیدم یک نفر دیگر هم آنجا فهمید که طرف، رئیس استعدادیابی آژانس است! ا‌هسه بورگ خیلی متعصب به نظر می‌آمد، هسه می‌گفت: از آن،، اتفاقات شروع می‌ش! از آن،، اتفاقات روشن می‌من هم گفتیم: «خوبه!»؛ من هم به فوتبال بازی کردم! ا‌مه دادم، اما خیلی آسان نبود، یکهو متوجه شدم که سه نفر از آژانس! گوشه زمین ایستاده‌اند! دستیار سرمربی هم آمده بود و من از هسه‌بورگ شنیدم که بیشتر از این‌ها هم قرار است بایند! چیزی کم از حمله کردن نداشت و روز بعد ما قرار بود جلو تیمی به اسم «ماس» بازی کنیم، «ماس» یک تیم نرورژی بود، کو ادر آسانسه، سرمربی و «لیو بنهاگر» مدیر ورزشی آژانس، نیز آمده بودند، من هیچ چیز درباره بنهاگر نمی‌دانستم، اما خیلی سریع متوجه شدم که آن آدم، ا‌دم کله‌گدای است، یک کلاه روی سرش گذاشته بود و لب خف سیگار برگ می‌کشید، موهایی سرش سفید بود و جلب توجه می‌کرد، او می‌دانست که چه کسی با استعداد است و من با خودم گفتم: «ای ج‌دی است!»؛ البته، خیلی چیزها بود که من منوجه آن نشده بودم، بنهاگر آنجلیتی تاش کرده بود تا هسه روی من قیمت بگذارد، اما او مخالفت می‌کرد، هسه نمی‌خواست مومنش را تصفیع کند! هسه می‌گفت: «این پرس فرقی نیست! این، این جمله، خیلی هوشمندانه بود.

ادامه دارد

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●